



سهمی به وسعت حق حاشیه‌نشینان در بودجه شهرها

گفت‌وگو با علی اوسط هاشمی*

من عنوان حاشیه‌نشین را به خود گرفته‌اند. خود این عنوان انگ‌هایی را به همراه دارد که ممکن است موجب بسیاری از محرومیت‌ها شود، و این به معنی تضييع انواع حقوق انسانی و شهروندی است.

انگ‌زدایی از مردم یک ضرورت است. مردم باید بتوانند وارد متن جامعه شوند، خود را در جریان زندگی با دیگران ببینند و احساس کنند در حاشیه برنامه‌های زندگی شهری نیستند. این را باید یک خطای مدیریتی بنامیم که نتوانسته‌ایم چنان برنامه‌ریزی کنیم که هر شهروند و هر انسانی، مطابق با قابلیت و ارزش انسانی و توان خودش، موقعیت شرافت‌مندانانه و مناسبی برای دیده شدن و نقش پذیرفتن داشته باشد. ادامه این تضييع حق برای ما قابل قبول نبود و به دنبال این بودیم که نگاه همه برنامه‌ریزان را به احقاق حقوق این قشر از جامعه معطوف کنیم. شیرینی حکومت در احقاق حق مردم است. اگر لذت برخورداري از حق و عدالت در کام و نگاه مردمان بنشیند و برایشان ملموس و قابل رؤیت شود، این ارزشمندترین خدمت هر حکومت یا مدیر و کارگزاری خواهد بود. بر همین اساس بنده پرداختن به حاشیه‌نشینان را تکلیف دانستم و در سال ۹۴ اعلام کردم که سال ۹۵ سال حاشیه‌نشینان است و باید تلاش کنیم اداره استان را با مشارکت مردم دنبال کنیم. امروز خوشحالم که این نگرش در مدیران استان نیز به زیبایی

ضمن سپاس از وقتی که به برنامه جستار کیفیت در تجربه‌های بازآفرینی شهری اختصاص دادید، پرسشی که در این گفت‌وگو دنبال می‌شود علت در اولویت قرار گرفتن مقوله حاشیه‌نشینان در برنامه‌های استان سیستان و بلوچستان است. چه رویکردی موجب اهمیت پیدا کردن این موضوع و دیده شدن آن در صدر برنامه‌های استان شده است؟

این مهم برای بنده ارزش داشت که بتوانم توجه‌ها و نگاه‌ها را به این قشر از اقشار جامعه جلب کنم. مردمی که سالیان سال با خشکسالی دست و پنجه نرم کرده‌اند و فرصت‌هایی که می‌توانسته جایگاهشان را ارتقا دهد از آن‌ها سلب شده و به همین دلیل مجبور شده‌اند برای اقامت باعزت در یک مکان، برخلاف میل باطنی خود، نقل مکان کنند. به هر حال هرکسی به سرزمین آبا و اجدادی‌اش علاقه‌مند است و تمایل دارد در دیار خودش بماند؛ و وقتی این امکان را از دست می‌دهد، رفتنش از روی ناچاری بوده است. این افراد بخش قابل توجهی از جمعیت استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهند. بیش از ۵۲۰ هزار نفر در پنج نقطه شهری و ۷۵ محله جمعیت زیادی است، یعنی یک پنجم جمعیت استان

* استاندار وقت سابق سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۵ و معاون فعلی وزیر جهاد کشاورزی و مدیر عامل سازمان تعاون روستایی

شکل گرفته و تا حدی هم آثار این نگاه به مردم که ما در حال باور کردن آن‌ها هستیم نمایان شده است. باور مردم و با هم برابر دیدن آنان نکته بسیار مهمی است. در دهه فجر سال ۹۵ که به اتفاق نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه محترم اهل سنت در جمع مردم شرکت داشتیم، دیدیم که مردم حضور متفاوتی از خود نشان داده و احساس کرده‌اند که حقشان مورد توجه قرار گرفته و شرایط متفاوتی نسبت به گذشته در زندگی‌شان در حال شکل‌گیری است. این تفاوت محصول جلب توجه‌ها به وضعیت آنان است و باعث می‌شود خود مردم هم باور کنند که قرار است تغییری در محیط زندگی‌شان ایجاد شود و آنان هم مانند ساکنان نقاط توسعه‌یافته شهر، از فضای زیست منطبق با شأن انسانی خود برخوردار باشند.

ما به همه دستگاه‌های اجرایی استان ابلاغ کردیم که ۳۰ درصد از بودجه استان سهم این مناطق است، و خوشحالم اعلام کنم یکی از مدیران استانی (مدیرکل آب و فاضلاب شهری) اطلاع داد که با وجود این که بایستی ۳۰ درصد هزینه‌ها به این مناطق اختصاص می‌یافت، او ۷۰ درصد بودجه را در این مناطق هزینه کرده است، یعنی اجرای ۵۴ کیلومتر شبکه آبرسانی. این نشان می‌دهد یک مدیر به این مرحله از درک و معرفت نسبت به حق این گروه از مشتریان رسیده است که حضوری پررنگ برای خدمت به این گروه داشته باشد. سایر دستگاه‌های ما هم همین طور. شهرداری در دهه فجر سال ۹۵ بنده را برای بازدید از ۱۰ پروژه دعوت کرد که همه آن‌ها در مناطق حاشیه‌نشین بود. نقش خیرین نیز به طور چشمگیری در حال پررنگ شدن است. دولت هم ردیفی برای فضای آموزشی ایجاد کرده و ظرف سه سال باید ۶۰۰ میلیارد تومان به توسعه فضاهای آموزشی و مقاوم کردن این فضاها اختصاص یابد. همچنین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ورودی جدی به این حوزه داشت. ایجاد سرای محله و توجه به زمین‌های ورزشی نیز مورد توجه قرار گرفت و از همه مهم‌تر بهسازی معابر.

ما این محدوده‌های شهر را قدم‌گاه همه دولتمردان کرده‌ایم و امروز هیچ وزیری وارد استان نمی‌شود مگر این که ورودش از مناطق حاشیه‌نشین باشد. ما اهل کتمان نیستیم. باید به دنبال آشکار کردن نقص‌ها و اشکالات برنامه‌ای و مدیریتی خودمان

باشیم و هر جا که با ضعف جدی مواجهیم که منتج به فاصله بین مردم شده است، بتوانیم با حضوری فعال و رویکردی متفاوت فاصله را به حداقل برسانیم. البته این کافی نیست چون ما در آغاز راه هستیم. بسیاری از اراضی در این مناطق از گذشته فاقد اسناد مالکیت هستند. مردم یا خودشان ساخت و ساز کرده‌اند یا قولنامه‌هایی مبنای کار قرار گرفته که آن‌ها را صاحب ملک نکرده و از حق مالکیت برخوردار نیستند. ایجاد زمینه برای برخورداری از حق مالکیت یک سرمایه است، و این سرمایه می‌تواند مورد توجه انبوه‌سازان قرار بگیرد. گام بعدی ما توجه به مقاوم‌سازی و خانه‌سازی‌های جمعی است تا بتوانیم از ظرفیت‌های محلی کمک بگیریم.

معتقدم این حرکت‌ها در بین خود مردم هم در حال تبدیل شدن به محرک‌های خوبی است که می‌تواند آنان را فعال کند. نباید انتظار داشت حال که نگاه دولت متفاوت شده، همه بار مسئولیت بر دوش مردم باشد. با نقش‌آفرینی خیرین و انبوه‌سازان و مردم، و با همگرایی و هم‌افزایی، می‌توانیم یک تجربه موفق مدیریتی و همکاری میان مردم و مسئولان را به نمایش بگذاریم. حتی توجه دادیم که از این به بعد، برای ساخت هر فضای جدید اداری، یک بخش باید در بین این قشر از جامعه رسوخ پیدا کند تا مردم خود را جدا از سازمان‌ها و نهادها نبینند و این جدایی‌ها برای ما خسارت‌زا است. مردم باید احساس کنند که در نگاه ما هیچ کس نسبت به دیگری برتر نیست مگر خودش زمینه برتر شدنش را فراهم ساخته باشد. این امر در حال شکل‌گیری است و با اطمینان می‌گویم که برای مدیران دستگاه‌های اجرایی استان و همه شهرستان‌ها، به عنوان تکلیف و ضرورت نهادینه شده است و در نگاه برنامه‌ای هم یک فصل برای آن باز کرده‌ایم که هر کس سهم خودش را ادا کند و فاصله‌اش را با مردم به حداقل برساند. این زیباترین نقشی است که از مدیران انتظار می‌رود و آهنگ هماهنگی ساختن را در دید و رفتار مدیران شاهد هستیم. مهم این است که ما مدیران نگاه خود را تغییر دهیم و به بافت‌ها و مردمانی توجه کنیم که صدای بلندشان برای احقاق حق به گوش ما نرسیده است. ما باید خود صدای این مردمان باشیم. متانت، آرامش و صبوری مردم نباید موجب این گردد که ما از احقاق حقوق آن‌ها بیشتر فاصله بگیریم. این ویژگی‌ها باید به ما بیشتر انگیزه دهد که وقتی با این طیف مواجهیم، به تکلیف خود در برابر آنان عمل کنیم.